روزنامه صبح ایران
وطن امروز
VATANEMROOZ.IR

سه‌شنبه اول مهر ۱۳۹۳ ■ ۲۷ ذی‌القعده ۱۴۳۵ ■ ۲۳ سپتامبر ۲۰۱۴ ■ سال ششم ■ شماره ۱۴۲۲ ■ ۱۶ صفحه ■ ۵۰۰ تومان
■ اقتصاد و فرهنگ با عزم ملی و مدیریت جهادی
VATAN-E-EMROOZ ■ VoL.6 ■ No.1422 ■ Tue. Sep.23, 2014 ■ ISSN:2008-2886

حرکت خاموش علیه بانکداری الکترونیک

کارمزد بانک‌ها از پیامک

صفحه ۳

شیر: کره و خامه جایگزین پالم شد ۳

بیمه: کارت هوشمند به‌جای دفترچه ۴

«وطن امروز» از یک احتمال درباره برنامه آمریکایی‌ها برای ظرفیت غنی‌سازی ایران گزارش می‌دهد

واز کتومی هسته‌ای!

صفحه ۲

حکومت تسلیم خواسته‌های انصارالله شد

پیروزی انقلابیون یمن

■ مراکز مهم حکومتی و نظامی پایتخت در دست انقلابیون است

صفحه ۱۵

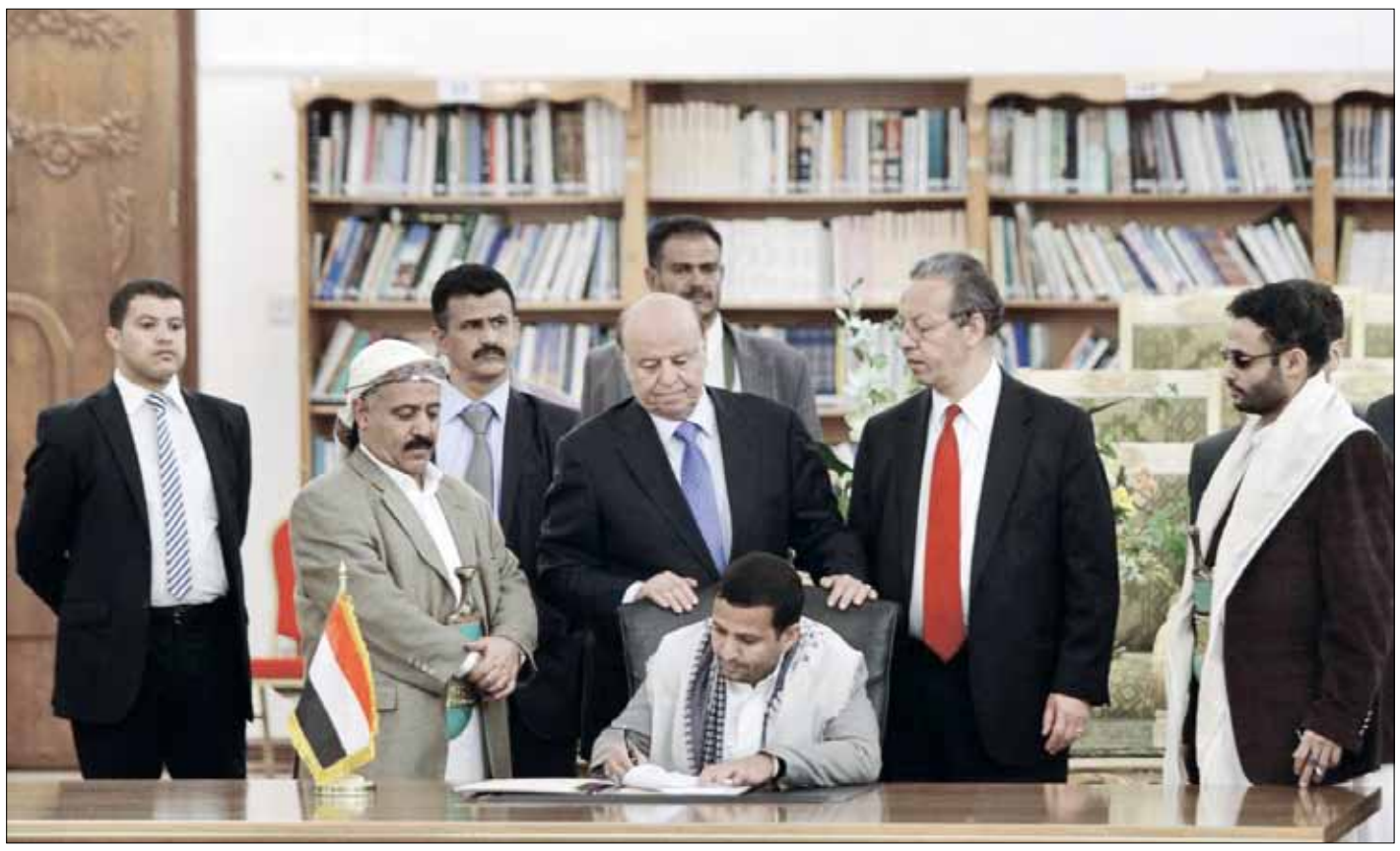

تیترهای روز

ورزش ایران وارد جدول توزیع مدال بازی‌های آسیایی شد

۳ مدال در روز سوم

■ کاروان ورزشی ایران با ۳ مدالی که بانوان کسب کردند تا مکان نهم جدول صعود کرد

■ تیم فوتبال امید حذف شد تا ضعیف‌ترین نتیجه تاریخ فوتبال ایران در این بازی‌ها ثبت شود

صفحه ۱۴

سخنگوی قوه قضائیه با انتقاد از قول اصلاح شبکه‌های اجتماعی عنوان کرد

خلف وعده وزارت ارتباطات

شصت‌ونهمین نشست خبری حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی‌اژه‌ای، سخنگوی قوه‌قضائیه دیروز با حضور خبرنگاران برگزار شد. به گزارش تسنیم، سخنگوی قوه‌قضائیه در بخشی از این نشست به موضوع جرائم رخ داده در شبکه‌های اجتماعی اشاره کرد و گفت: درباره شبکه‌های اجتماعی...

صفحه ۲

معاون اجتماعی سازمان بهزیستی خبر داد

افزایش ۲۵ درصدی شهریه مهدکودک‌ها

صفحه ۴

یادداشت روز

یوم‌الحساب دعوت فتنه‌گران ۸۸ به طغیان در مصرف

وقتی آب آبرو می‌برد

■ حسین قدیانی ■

الف. ب. آب... این «الفبای مهر» است، که معلم، نوشتن را با همین «آب» به ما آموخت. «ن و القلم و مایسطرون» در «مکتب آب» قد کشیده. قلم در مکتب آب، با الف. ب. آب... شست و شو کرده و به خرابات، خرامیده. زلالی قلم، از زلالی آب است و هر حرف که می‌نویسیم، خود از قطرات آب است، از برکات آب است. ما هنوز دلداده آن نیمکت‌های چند نفره هستیم؛ محل تمرین آب! آی باکلاه! پس کتاب، نه فقط در ظاهر با آب تمام می‌شود بلکه در باطن نیز با آب شروع می‌شود؛ «بابا آب داد». کیست آن که در این نعمت را به روی ما گشوده است؟ کیست آن که این منت بی‌بدیل را بر سر ما ارزانی داشته است؟ آیا جز خداوند منان؟ گمانم حرف «خ» چون کمی آنسوتر از ابتدای الفبای عاشقی است، این آب نازنین با «بابا» شروع شد و الا بابا بهتر از همه می‌داند که خالق آب خداست. آری! آب از آن خداست. و این، خدا بود که آب داد. و همچنان خداست که آب می‌دهد. من این اول مهری، عاشق آن معلم بصیری هستم که بی‌خیال نظم و ترتیب خشک حروف الفبا، مشق عشق را اینگونه برای بچه‌ها تعلیم دهد؛ «خدا آب داد» که اساسا الف. ب. آب... بلکه همه حروف الفبا از آن خداست. راستی! چه در این خلق شگفت‌انگیز نهفته است که «و جعلنا من الماء کل شیء حی»؟ چیست معنای این آیه؟ چیست راز خلقت آب؟ خدایا! ممنون توییم برای نعمت آب. و اعتراف می‌کنیم که «بابا آب داد» استعاره از لطف و عطای تو خدای مهربان است. خدایا! چه رازی است در صدای آب که ترنمی فوق آن متصور نیست؟ و چه حکمتی است در شرشر باران که این همه خارج از وصف آدمیزاد است؟ خدایا! در این آب بی‌رنگ، چه نهفته‌ای که جمله رنگ حیات، بسته به آن است؟ و در آن، چه قرار داده‌ای که خود مزه ندارد اما همه طعم حیات، بسته به آن است؟ وه که چه معجزه لطیفی است این معجزه آب! باید هم مهریه خوبان باشد این مهر بی‌مثال. خدایا! ما نیز چون آب، آفریده تو هستیم. و آب، مایه حیات ما است. نمی‌بینی بحران آب را؟ و کام تشنه بشریت را؟ خدایا! ببخش ابنای آدم را و نازل کن بر ما آب را. چند قطره باران! یک قطره ظهور! یک جرعه عدالت! خدایا! آب، مهریه مادر است؛ پس این ارث را کی به آفتاب می‌رسانی؟ پس کی به وعده‌ای که خود داده‌ای، جامه عمل می‌پوشانی؟ الف. ب. آب... آب. آب. آب. این روزها همه رسانه‌ها پر شده است از تذکر بی‌آبی. که رعایت کنید؛ کمتر مصرف کنید! شاید اعتدال در این بود که ما رسانه‌های اصولگرا نیز مثل سایر رسانه‌ها در زمان سایر دولت‌ها، از کمبود آب، چماق بر فرق دولت کنونی بسازیم اما جملگی شده‌ایم بولتن دولت! و منعکس‌کننده امر و نهی دولتمردان! بی‌هیچ کنایه‌ای! ما اگر بیشتر از رسانه‌های مدعی طرفداری از دولت اعتدال، عامل انعکاس بحران آب از زبان دست‌اندرکاران نبوده‌ایم، لااقل هیچ کمتر از آنها همراهی نکرده‌ایم با دولت در این زمینه. آنی تامل کنید. هم الان اگر نفر دوم انتخابات ۲۴ خرداد ۹۲ رئیس‌جمهور شده بود، مواجهه رسانه‌های مدعی، معطوف به همین بحران کم‌آبی، چه بود با دولت؟! نظرات دولتمردان را پوشش می‌دادند یا رسما بحران آب را می‌بستند به ناف رئیس دولت؟! ای بسا که همین عالیجنابان، در مقام میرآب، زیرآب دولت را می‌زدند! مع‌الاسف، سابقه‌شان، این را نشان می‌دهد. من روزهای گذشته، وقتی به تواتر دیدم که همه توصیه به صرفه‌جویی در مصرف آب می‌کنند، ناگهان یاد سال ۸۸ افتادم و دلم گرفت. عجیب هم دلم گرفت! خوب خاطرم هست؛ از ۲۲ خرداد ۸۸ فقط چند روز گذشته بود که دستورالعمل جدید فتنه‌گران صادر شد! چه بود این دستورالعمل؟ هیچ الا آنکه ملت را در کمال وقاحت، دعوت کرده بودند به مصرف بی‌رویه آب و برق، آنهم در ساعات پرمصرف شبانه‌روز! که چه بشود؟ که مثلا نظام دارای برند ۴۰ میلیون رای در آخرین انتخاباتش -یعنی همین چند روز پیش- به مشکل بخورد! که فی‌الواقع خود ملت به مشکل بخورد! که آب و برق ملت قطع شود! باور دارم شیطان، به طمع همین چیزها از آدمیزاد، زبانش را جلوی خدای ما دراز کرد! اُف بر این آدمیزاد که حتی در عالم توهمات خود، به آب هم رحم نمی‌کند! آخر بگو؛ بر فرض که مشکل با جمهوری اسلامی داشتند، چه کارشان بود به آب؟! هم الان یوم‌الحساب آن «دعوت بی‌شرم به مصرف بی‌رویه» است که الحق باید گرفت گوش این جماعت وقیح را؛ «گیرم توهم زده بودید در انتخابات، تقلب شده، چه کار داشتید به آب؟ چه کار داشتید به برق؟» صدالبته یارای کتمان ندارند اصحاب فتنه! سندش هست!

ادامه در صفحه ۱۶

خبر

واکنش غیرانسانی تکفیری‌ها به عملیات هوایی بی‌سابقه ارتش عراق

جنایت شیمیایی داعش

در حالی که تکفیری‌های مزدور دولت‌های غربی و عربی در حال شکست در جنگ متعارف با ارتش و نیروهای مردمی عراق هستند و در برابر حملات گسترده آنها هر روز مناطق تصرف شده را یکی پس از دیگری از دست می‌دهند، به شکلی غیرانسانی رو به جنگ نامتعارف آورده‌اند. داعش برای نخستین‌بار در منطقه «الصقلاویه» فلوجه از گاز کلر استفاده کرد که در نتیجه آن ۳۰۰ سرباز عراقی کشته شدند. استفاده از تسلیحات شیمیایی یکی از نشانه‌های بارز حضور فرماندهان صدامی در صفوف تروریست‌هاست. روز دوشنبه نمایندگان استان دیوانیه عراق در اظهاراتی اعلام کردند گروه تروریستی داعش با استفاده از گاز کلر در منطقه الصقلاویه در شمال شهر فلوجه دست به جنایت زده است. به گزارش سومریه نیوز، «علی البدیری» یکی از نمایندگان استان دیوانیه در پارلمان عراق در نشستی خبری که با حضور شماری از نمایندگان این استان در ساختمان پارلمان برگزار شد، گفت: «گروه تروریستی داعش پس از محاصره بیش از ۴۰۰ سرباز در منطقه الصقلاویه برای نخستین بار از گاز کلر استفاده کرد که به خفگی بسیاری از این سربازان منجر شد. جنایت الصقلاویه، جنایت اسپایکر دیگری است که در آن ۳۰۰ سرباز کشته شدند. از طرف دیگر ارتش عراق در اوایل روز یکشنبه عملیات گسترده‌ای را علیه تروریست‌های تکفیری داعش در شهر فلوجه آغاز کرد و با حمایت مبارزان داوطلب به محاصره صدها تن از سربازان عراقی در استان الانبار از سوی تروریست‌های داعش پایان داد. سرهنگ قاسم الموسوی، سخنگوی ارتش عراق گفت نیروهای عراقی نیمه‌شب موفق شدند حدود ۴۰۰ سرباز را که ۳ روز قبل در منطقه سجر در نزدیکی شهر فلوجه (حدود ۶۹ کیلومتری غرب بغداد) از سوی تروریست‌های داعش محاصره شده بودند، آزاد کنند. همچنین شبکه تلویزیونی العراقیه گزارش داد، قاسم عطا، سخنگوی نیروهای مسلح عراق گفت مخفیگاه‌های تروریست‌ها در منطقه السجر هدف قرار گرفته است. پلیس استان دیاله در عراق نیز اعلام کرد، سرکرده نظامی گروه تروریستی داعش در مقدادیه به همراه ۲ تن از معاونانش کشته شدند. پایگاه خبری شفق‌نیوز به نقل از این منبع افزود: «در حمله جنگنده‌ها به یکی از پایگاه‌های داعش در روستای حنبس در شمال مقدادیه، ابوغزوان العراقی از سرکردگان نظامی داعش و ۲ معاون او که یکی از آنها تونسی است، کشته شدند» به گزارش پایگاه خبری سومریه‌نیوز از دیاله، ابوغزوان العراقی از اهالی شهر تکریت و از افسران رژیم صدام، دیکتاتور سابق عراق بود و در بسیاری حملات و خشونت‌ها از جمله اعدام ۱۰ غیرنظامی در روستای سنسل در مجاورت روستای حنبس مشارکت مستقیم داشت.

ادامه در صفحه ۱۶

نگاه

جنگ سرد فرهنگی در سال‌های ایمان ملحدانه!

■ حسین بابازاده‌مقدم* ■

اگر کسی از روی تحقیق با مقوله‌ای دینی و الهی، مخالفت کند لزوما به معنای کفر و مستوجب عقوبت نیست.

سروش، مجله راه نو

احمد نراقی در نخستین سال‌های موسوم به اصلاحات با نگارش مقاله‌ای با عنوان «موقعیت‌های ایمانی» به تشریح ۳ نوع ایمان شامل «ایمان ابراهیمی»، «ایمان شکاکانه» و «ایمان ملحدانه» پرداخت. همنشین ساختن ایمان با الحاد و ایجاد این شائبه که ملحد بودن هم مقارن با مومن بودن است از جمله اقداماتی بود که جریان روشنفکری بسط یافته و تجهیز شده در دوران سازندگی در دولت خاتمی به شکلی لجام‌گسیخته و بی‌محابا آن را در دستور کار خود قرار داد.

سال ۱۳۷۵ و هنوز در طول دوران هاشمی بود که کانون نویسندگان به مقطع خاصی از تجدید حیات خود دست یافت و عملا به ترمیم سازمان خود دست زده و ضمن برقراری ارتباط با سفارت آلمان که بعدها در سطح یک رسوایی برای این تشکل روشنفکری مطرح شد، در کنار سایر جریان‌های متولی امور هدایت روشنفکران در داخل کشور که به‌صورت آشکار با نیروهای بیرونی نیز در تماس بودند، به بازسازی کامل ساختاری ادبی برای فروپاشی از درون نظام جمهوری اسلامی دست زد.

وقایع فرهنگی مخرب در دولت خاتمی به‌قدری جدی است که کمتر این امکان وجود دارد که تمام عناوینش را ذیل یک مقاله خلاصه کرد اما می‌توان به‌صورت قابل ملاحظه‌ای همان بخش‌های تشکیل و تقویت شده در دولت‌های موسوم به سازندگی را که با تدارکی عظیم و با هدایت برخی نشریات همچون «راه نو» به طرح و توسعه ایده‌هایی همچون تسری «پدیدارشناسی بر مطالعه دین» که توسط مجتهدشبستری در کنار نقد «تعاریف رسمی از دین» تعقیب می‌شد، ترویج مدرنیته و شاخصه‌های آن توسط کسانی مانند بشیریه، آشوری و دیگران، پیگیری بحث «حاکمیت دوگانه» توسط موسوی‌لاری و مصطفی تاج‌زاده، تهاجم علیه بنیان «وحی» به رهبری سروش، مقابله با تفسیرهای بسیط از ولایت فقیه با ارجاع به رویکردهای منتظری، القای «عدم توانایی دین حکومتی در حفظ اصالت دین» توسط محسن کدیور، پیشبرد سناریوی «تشدید تضادها» با نقش‌آفرینی اکبر گنجی که بخش قابل توجهی از کارهای او انتقامگیری از هاشمی تلقی می‌شد، پروژه‌های «آرامش فعال» عباس عبدی و همینطور «فشار از پایین، چانه‌زنی در بالا» با نظریه‌پردازی سعید حجاریان و در نهایت ترویج رویکردهای ضدروحانیتی با حضور پررنگ سیدجواد طباطبایی می‌پرداختند، مورد نظر قرار داد.

حوزه‌های فیلم، موسیقی، کتاب و همینطور کانون‌های تولید محصولات فرهنگی نیز به نحو قابل ملاحظه‌ای و در اثر همین سونامی ویرانگر الحاد فرهنگی مورد تهاجمی بی‌سابقه قرار گرفت و بسیاری از چهره‌هایی که حتی به نیروهای چپ مسلح در آستانه انقلاب گرایش داشتند این فرصت را پیدا کردند تا به انتشار دیدگاه‌ها، کتاب‌ها و بعضا دفاعیه‌هایی از تاریخ تحرکات اندیشه‌ای و اصطلاحا فرهنگی خود بپردازند.

از سوی دیگر خاتمی نیز با درانداختن شعارهایی در حوزه آزادی‌های اجتماعی و ارتباطات میان اقشار دختر و پسر در واقع از خود چهره‌ای سازش‌پذیر در سطح اجتماعی و از سوی دیگر یک کنشگر سیاسی نزدیک به دیدگاه‌های پوپر، ترسیم کرده بود. پوپر شخصیتی محبوب میان نزدیکان خاتمی بود که عمده‌ترین تاثیرات فکری را بر ساختارهای اجتماعی و فرهنگی دولت وی بر جای گذاشت.

عبدالله نوری ۳۱ خرداد ۱۳۷۷ استیضاح شد و وزیر ارشاد منحرف دولت موسوم به اصلاحات عطا مهاجرانی که رئیس‌جمهور بر ماندن وی بسیار اصرار داشت در ۱۱ اردیبهشت ۸۷ استیضاح و با ترتیب دادن یک شوی تبلیغاتی غم‌انگیز موفق به حفظ خود در مقام وزارت برای مدتی شد.

وضعیت فرهنگی در دوران خاتمی را به سیاه‌ترین سال‌های افول فرهنگ ایرانی و اسلامی می‌توان تعبیر کرد که در بعد داخلی و در هیچ مقطع زمانی نظایر آن را نمی‌توان مشاهده کرد. خاتمی با انگیزه‌های سیاسی در بحث جهانگردی و همینطور تبادل ورزشکاران، هنرمندان و بازیگران سینما با آمریکا به صورت رفت و آمدهای فرعی وارد تعامل شد، در آن ۸ سال بسیاری از هنرپیشه‌های سینما در میهمانی‌های سفارتخانه‌های خارجی در تهران مشاهده شدند.

رئیس‌جمهور وقت در سال ۱۹۹۹ یعنی ۸ سال پس از فروپاشی نظام کمونیستی شوروی با حضور در سازمان ملل متحد، ایده گفت‌وگوی تمدن‌ها را مطرح کرد، طرحی که بسیاری بر این باورند که متعلق به فرح پهلوی بود، در شرایطی این رویداد را شاهد بودیم که همزمان ۲۳۵۰ مورد شبهه دینی از حیث تنوع در مطبوعات دوم خردادی یا به‌عبارتی دقیق‌تر پایگاه‌های دشمن منتشر شده بود.

تلاش‌های فرهنگی خاتمی برای به‌اصطلاح تنش‌زدایی نتیجه‌اش اعلام ایران به عنوان محور شرارت توسط جورج بوش در ۱۰ بهمن ۱۳۸۰ و حمله در ۱۵ مهرماه ۱۳۸۰ به خاک افغانستان بود، خاتمی اما در ۱۳۸۵ با ارسال نامه‌ای به بوش جنجال‌های مختلفی را آفرید. نقطه عطف جنگ سرد فرهنگی در دولت خاتمی دیدار وی با جورج سوروس در شهریور ماه ۱۳۸۵ است که وی به‌رغم تکذیب‌هایی که انجام داد، نتوانست پاسخی برای توضیحات جالب سوروس درباره این دیدار محرمانه ارائه دهد. (سوروس یکی از بارزترین و شاخص‌ترین چهره‌های آمریکایی فعال در امر براندازی فرهنگی کشورهای در حال توسعه به شمار می‌آید.)

همزمان در نیمه دوم دولت خاتمی رسانه‌های ماهواره‌ای متعلق به اپوزیسیون پس از پشت سر گذاشتن دوره‌ای نسبتا قابل ملاحظه از استیصال‌های مالی با استفاده از عناصر مطبوعاتی نزدیک به دولت وی اقدام به بازسازی سیاست‌ها، منابع، تاکتیک‌ها و شیوه‌های اطلاع‌رسانی خود کردند.

فریبا داوودی‌مهاجر، مسعود بهنود، مسیح علینژاد و شخصیت‌هایی از این دست ضمن حفظ ارتباط در دوران دولت خاتمی با خارج از کشور از یکسو و همچنین ارائه اطلاعات متناسبی از وضعیت فرهنگی، مطبوعاتی و سیاسی کشور، تلاش کردند برخی اهداف جنگ سرد فرهنگی دشمن را در داخل خاک جمهوری اسلامی پیش برده و عده‌ای از روزنامه‌نگاران را برای فراگیری آموزش‌های رسانه‌ای به ترکیه ببرند.

بخشی از بدنه فعال رسانه‌ای در خارج از کشور با استفاده وسیع دشمن از نفوذی‌های فرهنگی در صدا و سیما، وزارت ارشاد و همچنین مطبوعات نزدیک به جریان رئیس‌جمهور تامین شد، در عین حال میرحسین موسوی در فرهنگستان هنر بخش قابل ملاحظه‌ای از چهره‌های متمایل به فراماسونری یا اعضای رسمی این سازمان را گردهم آورد و این اشخاص در پوشش فعالیت‌های پژوهشی و فکری و هنری به طرح و گسترش ایده‌های ماسونی پرداختند.

این اشخاص با انتشار ویژه‌نامه‌ها و مجله‌های تخصصی همچون «خیال»، «پژوهشنامه» و... ضمن پرداختن به فلسفه هنر با روایتی کاملا غربی و البته ماسونی، ایده‌های «جهان دینی»، «نمادگرایی افراطی»، «فرویدیسم و یونگیسم» و همچنین فصول برجسته‌ای از تاریخ معماری و نقاشی با رویکردهای فراماسونری را نهادینه ساخته و فضای علمی و آموزشی رشته‌های هنر، معماری و سینما را عمیقا تحت تاثیر خود قرار دادند.

حوزه درگیری‌های نظام در جبهه فرهنگی به‌قدری گسترش یافت که عملا مهار و رویارویی با آن غیرممکن به نظر می‌رسید بویژه اینکه در بخش بسیار عظیم دیگری لیبرال‌ها و مدرنیست‌های سکولار در دانشگاه‌های تخصصی علوم انسانی و رشته‌هایی همچون فلسفه، علوم سیاسی، جامعه‌شناسی و روانشناسی، به‌صورتی پرشتاب دستورکار غربی‌سازی هرچه بیشتر این علوم را با سنگین کردن کفه ترازو به نفع ایده‌های چپ و مارکسیستی مدنظر قرار دادند.

همانطور که ملاحظه می‌شود حجم فعالیت‌های تخریبی فرهنگی در داخل کشور به قدری وسیع است که دشمن در جبهه بیرونی صرفا مشغول سازماندهی برای سال‌های آتی و تامین نیروی انسانی برای رسانه‌های جدی‌تری شده بود و در نهایت در مقطع ریاست‌جمهوری احمدی‌نژاد، غربی‌ها با سازمان‌های رسانه‌ای تازه، دوری گزیدن از تجربه‌های تلخ و بی‌اثر گذشته، همچنین در پیش گرفتن سیاست‌های ناظر بر تطبیق برنامه‌ها با درخواست‌های مردم و احیانا تمایل در افکار عمومی وارد کارزاری تمام‌عیار شدند که مشخصا دگرگونی سبک زیست مسلمانی را هدف گرفته بود.

*نویسنده و مدرس دانشگاه

پیامک خوانندگان
۳۰۰۰۸۸

سلام وطن ۶۶۴۱۳۹۴۲

در پچه انعکاس پیام‌های شما از سراسر کشور